

# هُوَ اللهُ - ای مسجون محزون، آشفته مباش و آزرده مگرد...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



## هُوَ اللهُ

ای مسجون محزون، آشفته مباش و آزرده مگرد پزمرده منشین و افسرده مباش زیرا زندان بحبت آن یار بی نشان ایوان گردد و سلسله زنجیر سجن یوسفی شود. چاه اوج ماه گردد و تنگای حبس صحرای جانفزا. شب و روز بنفحات گلشن تقدیس همدم باش و بیاد بلایا و محن جمال قدم مشغول شو آنچه را آن دلبر مهربان در مدّت مدیده کشیده ما در ایّام عدیده تحمل نتوانیم و از دیده خون بباریم تو حمد کن خدا را که در حبس در سبیل حقّ زجر دیدی و بلایا و محن مبتلا گشتی. ایّام راحت بگذرد و نتیجه ئی نبخشد اما هر دقیقه که در سبیل الهی زجر کشیده شود آنرا نتایج غیر متناهیست و علیک التّحیّة و الثّناء ع



ORIGINAL



AUDIO